



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd. Year/NO: 4 Winter 2022

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی و فقهی ربا در امارات متحده عربی و عربستان سعودی

سجاد عسگری آرانی^۱ غلامحسین مسعود^۲ محسن شکرچی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

چکیده

موضوع ربا، عنوانی است که بر اساس آموزه های دینی نکوهش شده و از آن جهت که کشورهای مسلمان من جمله امارات متحده عربی و عربستان سعودی سعی در اجرای اوامر دینی دارند، شناخت موضع فقه و سیاست جنایی آنان در خصوص ربا و تطبیقش با یکدیگر در این زمینه می تواند گام موثری در جهت محقق کردن اقتصاد اسلامی باشد. در این مقاله با بررسی قوانین حاکم و فقه ناظر در کشورهای مذکور و با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی سعی در بررسی فقهی و سیاست جنایی امارات متحده عربی و عربستان سعودی نسبت به ربا گردیده تا بتوانیم سیاست جنایی مناسب در برخورد با بزه ربا را شناسایی نماییم. به نظر می رسد در امارات پاسخ ها نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی متفاوت است و در مقابل اشخاص حقوقی پاسخ ها صرفا جامعوی است متتهی در مقابل ارتکاب بزه ربا از سوی اشخاص حقیقی پاسخ دولتی و به انحراف، جامعوی داده می شود و در کشور عربستان سعودی پاسخ ها دولتی و اقتدارگرایانه است.

کلمات کلیدی: فقه، سیاست جنایی، بزه، ربا، مدل

s.asgariarani@gmail.com

Dr.gh.masoud@gmail.com

mohsen.shekarchi@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقدمه

از دیرباز در کشورهای اسلامی رباخواری مورد نکوهش قرار گرفته است. در میان تحولات گوناگون که در زندگی اجتماعی کشورهای اسلامی در قرون اخیر ایجاد شد، بانکداری بر اساس رباخواری هم شایع شد و بالاخره به علل مختلفی رباخواری از نوع آبرومندانه اش در موسسات بانکی و به دست دولت ها و از نوع رسوا و نفرت بارش در بازار و به دست اشخاص حقیقی کاملاً در این کشورها جا باز کرده و امروزه در کشورهای اسلامی مسئله ربا از جمله موضوعاتی است که در آن حدود اسلامی کاملاً شکسته شده و متأسفانه بازار این کشورها با رباخواری انس و پیوند تفکیک ناپذیری را پیدا کرده اند.

مسئله ی ربا و نحوه ی مواجهه ی فقه با این پدیده، موضوعی بحث برانگیز در کشورهای اسلامی است. این موضوع برای افرادی که از طرفی خود را ملزم به اجرای حدود شرعی می دانند و از سوی دیگر در حال ضرورت، نیازمند اخذ وام (اعم از بانک یا افراد عادی)، در مواردی مشکل ساز شده و ایشان را گرفتار چالش نموده است زیرا بسیاری از صورت های دریافت قرض و نحوه ی جبران و تادیه ی آن در عرف جوامع اسلامی مشکوک بوده و شائبه ی گرفتاری به ربا ی حرام را نشان می دهد و ممکن است دارای عقوبت دنیوی بر اساس قانون مجازات کشورها نیز باشد.

شناخت و اتخاذ سیاست کیفری مناسب در برخورد با ربا، می تواند از حساسیت های موجود در جوامع اسلامی جلوگیری کرده و باعث کاهش این معضل در سطح این جوامع گردد لذا با عنایت به اینکه این عنوان سبقه فقهی داشته و در جوامع اسلامی مطرح است، نیاز است تا جهت شناخت جامع آن، به بررسی سیاست جنایی کشورهای اسلامی پرداخت. ضمن اینکه مبتلا به بودن این موضوع در عصر حاضر از دلایل پرداختن به آن در این مقاله است.

در این راستا به بررسی این امر در کشورهای امارات متحده عربی و عربستان سعودی می پردازیم چرا که این کشورها از جمله کشورهای اسلامی با وضعیت نسبتاً مطلوب اقتصادی می باشند. ضمن اینکه اقتدارگرا بودن سیاست جنایی عربستان سعودی و مشارکتی بودن سیاست جنایی امارات متحده عربی به عنوان فرضیه در نظر گرفته شده تا با بررسی جامع سیاست جنایی کشورهای مختلف اسلامی، به شناخت سیاست جنایی مناسب در جهت برخورد با ربا دست یابیم.

۱. ربا در فقه

مردم امارات متحده عربی دارای مذاهب مختلف اند از جمله هندو، مسیحی و یهودی متبھی اکثریت آنان مسلمان و سنی مذهب اند. فرقه مالکی، خط غالب فکری مردم امارات متحده عربی می باشد.

در ماده ی ۷ از قانون اساسی کشور امارات متحده عربی، دین اسلام به عنوان دین رسمی این کشور اعلام شده است. علی ای حال با توجه به حاکمیت فقه مالکی در کشور امارات شناخت دیدگاه های فقهی در خصوص ربا در این کشور حائز اهمیت است لذا بدواً به بررسی ربا در فقه مالکیه می پردازیم.

ربا در نزد جمهور فقها دو نوع است: ۱. رباى فضل (اضافى) یا رباى نقد یا رباى معامله و ۲. رباى نسیه یا رباى جاهلیت. (زحیلی، ۱۹۸۹، ص ۶۷۱)

ابن عربی علت رباى معامله در طلا و نقره را ثمن اشیا واقع شدن می داند ولی در کل سخنان مالکی ها درباره ی علت تحریم ربا مختلف است و از خود مالک در این مورد چیزی به طور صریح نقل نشده، لیکن از فروعاتی که بیان کرده است، عالمان مالکی برداشت های مختلفی داشته اند. (ابن عربی، ۱۴۰۸، ص ۳۵۳)

قرطبی نیز در تفسیر خود گفته است که کلمات اصحاب مالک درباره علت ربا مختلف است و بهترین سخن این است که گفته شود، علت رباى معامله این است که چیزی غالبا طعام اصلی انسان واقع شود. (القرطبی، ۱۳۵۴، ص ۱۷۸)

ابن رشد علت تحریم رباى معامله فضل را نزد مالک نقل کرده که عبارت است از:

۱. خوراکی بودن

۲. قابلیت بقا داشتن

۳. از یک صنف بودن (ابن رشد، ۱۴۰۸، ص ۱۲۸-۱۳۰)

در یک جمع بندی کلی، می توان علت تحریم ربا را از نظر مالکی ها را چنین مطرح کرد:

علت تحریم ربا در طلا و نقره ثمن بودن است و در غیر طلا و نقره (مطعموم) دو چیز است: یکی اینکه قوت اصلی انسان را تشکیل دهد و بنیه آدم بر آن قائم باشد؛ بدین معنا که اگر تنها به خوردن آن طعام اکتفا نماید بتواند به زندگی خویش ادامه دهد. دوم اینکه قابلیت ذخیره شدن داشته باشد.

در بین ائمه اربعه اهل سنت در مورد حرام بودن رباى نسیه هیچ اختلافی وجود ندارد و آن را گناه کبیره دانسته و همه در گناه کبیره بودن رباى نسیه اختلاف ندارند و دلیل آنها بر اساس استنباط از آیات قرآن و اجماع مسلمین است. (الجزیری، ۱۴۲۷، ص ۱۸۶)

رباى نسیه در معاملات مثل فروختن یک کیلو گندم به یک کیلو و نیم گندم به این شرط که بعد از دو ماه برای فروشنده پرداخته شود یا فروختن یک تن از گندم به دو تن از جو که خریدار بعد از سه ماه برای فروشنده بپردازد می باشد. پس این نوع حرام است به سبب افزوده آشکار که در آن باشد و گاهی بدون افزوده می باشد که آن نیز حرام است مانند فروختن یک کیلو خرما که در حال تسلیم داده شود به یک کیلوی دیگر از خرما که خریدار در آینده تسلیم نماید. زیرا عاداتاً چنین معامله ای انجام نمی گیرد مگر به سبب اینکه در واقع قیمت کیلویی فعلی، از آن کیلویی که در آینده باید تسلیم شود بیشتر است از این رو که آنچه حاضر و آماده است بهتر از حرامی است که بر ذمه انسان قرار دارد و آنچه که فوری است در قیمت خود بیشتر از آن چیزی است که مدت دار و همراه با تاخیر باشد و حرمت این نوع معامله به دلیل حدیثی که نجاری و مسلم از اسامه روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لا ربا الا فی النسیه» (زحیلی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴)

همچنین علمای اهل سنت در مورد ربای زیاده در داد و ستدها و حرام بودن آن گفته اند بنا بر حدیثی که ابوسعید خدری از پیامبر روایت می کند که فرمودند: «طلا در برابر طلا، نقره در برابر نقره، گندم در برابر گندم...» یعنی فروشنده و خریدار باید جنس و بها را فی الحال معاوضه و قبض نمایند و آنگاه که حدیث به ابن عباس رسید از آن قولی که قبلا بر آن بود و جز ربای نسیه دیگر نوع ربایی را حرام نمی دانست و ربای فضل را تجویز می کرد بازگشت، اما از حدیث - ربایی نیست مگر در نسیه - چنین جواب داده شده است که مراد از آن این است که خطر ربای نسیه شدیدتر و وقوع آن بیشتر است یا اینکه این حدیث بر حالت برتری میان دو جنس مختلف حمل می شود همچون فروش یک کیلو از گندم به دو کیلو گندم را به دو کیلو از جو فروخت. (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴، ص ۲۳۳)

مالکی ها در ظاهر مذهبشان می گویند علت تحریم در افزودن در طلا و نقره همانا نقدیت یعنی ثمنیت است زیرا طلا و نقره عاداتا ثمن و بهای اشیاء قرار می گیرند. علت تحریم ربای نسیه در طعام، همانا مجرد طعام بودن است. لیکن در نزد مالکی ها این شروط به آن است که طعام بودن برای درمان و معالجه به کار گرفته نشود. (ابن قدامه، ۱۹۹۷، ص ۱۲۸)

در خصوص کشور عربستان سعودی باید گفت که آیین رسمی این کشور اسلام سلفی است. آیین های دیگر اهل تسنن و مذهب شیعه نیز در عربستان سعودی رواج دارند. احکام و فتوهای دینی در عربستان سعودی، فرهنگ و سیاست را تحت تأثیر قرار می دهد. هم اکنون عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ، بالاترینه ترین روحانی سنی در عربستان سعودی است.

بر پایه آمارهای منتشره دولتی حدود ۸۵ درصد از شهروندان سعودی سنی و از مذهب احمد بن حنبل پیروی می کنند و ۱۵ درصد بقیه نیز شیعیان هستند که بیشترین آنان در منطقه شرقیه عربستان سکونت دارند. اگر چه در ظاهر به فتوهای احمد بن حنبل عمل می شود اما آیینی که محمد بن عبدالوهاب آن را پایه گذاری کرده است بیشتر در جامعه حاکمیت دارد. (نصیری، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

از احمد بن حنبل درباره علت تحریم ربای فضل در اشیای شش گانه سه نظر نقل شده است. (ابن قدامه، ۱۴۰۸، ص ۱۲۵-۱۲۳)

۱. علت ربا در خرما، نمک، گندم و جو، طعام بودن و وزنی و پیمانانه ای بودن و همجنس بودن است. بنابراین، ربا در مواد خوراکی که وزنی و پیمانانه ای معامله نمی شوند یا کالاهایی که خوراکی نیستند، ولی با وزن و پیمانانه معامله می شوند و یا اشیائی که همجنس نیستند، جاری نمی شود.

دلایل این نظر:

الف. کیل و وزن و جنس، به تنهایی مماثلت را ایجاد نمی کند. مماثلت به وسیله ی خوراکی بودن نیز ایجاد نمی شود. بنابراین، باید خوراکی بودن را هم در مکیل و موزون معتبر دانست و لازم است بین احادیث جمع شود و هر کدام با دیگری تقیید زده شود.

ب. به این دلیل هر یک از این اوصاف در حکم ربا موثر است که حکم حرمت در روایات همراه این اوصاف آمده است، پس نباید هیچ یک از این وصف ها را حذف کرد.

ج. رسول گرامی اسلام فرمودند: ربا جز در مکیل و موزون از اشیای خوردنی یا نوشیدنی، جاری نمی شود.

۲. علت ربا در طلا و نقره این است که دو شیء وزنی همجنس با هم معامله می شوند و علت ربا در گندم، جو، خرما و نمک این است که دو شیء پیمانه ای همجنس با هم معامله می شوند.

دلایل این نظر:

الف. رسول گرامی اسلام معامله یک اسب در مقابل چند اسب و معامله یک شتر اصیل در مقابل چند شتر معمولی را جایز دانسته است.

ب. در بیع باید بین ثمن و مثن برابر باشد و این به وسیله پیمانه و وزن و همجنس بودن حاصل می شود. زیرا پیمانه و وزن، تساوی ظاهری و همجنس بودن، تساوی باطنی را محقق می سازد.

۳. علت ربا در طلا و نقره، ثمنیت و معیار قیمت بودن است و علت ربا در بقیه اشیای شش گانه، طعام بودن و همجنس بودن است.

دلایل این نظر:

اگر علت ربا در طلا و نقره وزن بود، معامله ی سلم طلا و نقره در مقابل اشیای وزنی جایز نبود، زیرا در ربای نسیه، وجود یکی از دو علت ربا برای اینکه حکم به حرمت آن کنیم کافی است، در حالیکه می بینیم معامله ی مسلم طلا و نقره در مقابل کالاهای وزنی جایز است.

ب. خوراکی بودن شیء، وصف عالی آن است؛ زیرا قوام بدن به آن است و ثمن واقع شدن نیز قوام به آن است، پس علت ربا باید این دو وصف باشد.

ج. رسول گرامی اسلام معامله ی طعام با طعام را نهی کرده، مگر آن که به طور مساوی معامله شوند. (جوزی، ۱۴۱۷، ص ۳۱۸)

از احمد بن حنبل درباره ربا پرسیدند؛ گفت: این که کسی از دیگری طلبی داشته باشد، پس به وی گوید: قرض خود را می دهی یا آن که مقدارش را اضافه می کنی؟ و بدهکار که توانایی پرداخت ندارد، بر مقدار طلب بیفزاید تا بستانکار هم مهلت را اضافه نماید. (سنهوری، ۱۹۵۴، ص ۲۰۴)

فقه های این مذهب قرض را عبارت از پرداختن مالی به کسی که از آن منتفع شده و بدل آن را برمی گردانند، می دانند، پس قرض نوعی سلف محسوب می شود زیرا مقترض از چیزی که به عنوان قرض می گیرد منتفع می شود و این قرض زمانی که مقترض مال را قبض کند عقد لازم فسخ ناپذیر است از این رو مقرض حق رجوع ندارد، چون در برابر عوضی

که بعداً می‌گیرد و ملکیت خود را از مال قرض داده شده زایل و منقطع می‌سازد، اما قرض در حق مقترض لازم نیست، لذا می‌توان از آن عدول کرد. (جزیری، ۱۴۲۷، ص ۲۸۹)

حنابله در خصوص قرض دادن می‌گویند: « قرض دادن مستحب است و بر این مطلب مسلمانان اجماع دارند. » (ابن قدامه، ۱۹۹۷، ص ۳۵۳)

قرض هر عینی که فروش آن جایز باشد، از مکیل، معدود و موزون، جایز است و برخی از حنابله قرض دادن منفعت را جایز دانسته و برخی دیگر جایز نمی‌دانند و اینکه شرط است که مقدار مال القرض مشخص و معلوم باشد، در پیمانانه ای با پیمانانه های معین و متعارف در بین مردم و در وزنی با ابزار معین وزن و در صورتی که ابزار پیمانانه و وزن ناشناخته باشد، قرض صحیح نیست. (جزیری، ۱۴۲۷، ص ۳۰۸)

حنابله هر مالی را که می‌توان با آن بیع سلم را منعقد کرد، قرض دادن آن را جایز می‌دانند، زیرا آن مال با بیع به ملکیت درمی‌آید و صفات آن نیز قابل ضبط است. (ابن قدامه، ۱۹۹۷، ص ۳۵۵)

حنابله در رابطه با قرض دادن اموالی که معامله سلم با آن‌ها صحیح نیست، دو قول دارند: قول اول که آن را ابوالخطاب ذکر کرده، عدم جواز قرض چنین اموالی است. قول دوم که قاضی به آن اعتقاد دارد جایز بودن قرض دادن این نوع مال است و می‌گویند در جایی که مثل چیزی وجود ندارد، پرداخت قیمت آن واجب می‌شود. (نوی الدمشقی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۴)

حنابله می‌گویند اگر مالی قرض داده شود بدون اینکه هیچ شرطی ذکر شود و قرض گیرنده، بدهی خود را از نظر مقدار یا صفت و خصوصیت بهتر ادا کند، جایز است. (ابن قدامه، ۱۹۹۷، ص ۳۶۱)

همچنین حنابله قبول هدیه ای که قرض گیرنده، بعد از پرداخت قرض خود به قرض دهنده می‌دهد جایز است. (نوی الدمشقی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۹)

در مورد صت یا بطلان قرض ربوی دو قول وجود دارد. قول اول: عقد قرض را باطل می‌دانند به خاطر روایت از پیامبر گرامی اسلام که فرمودند: « هر قرض که منفعتی در برداشته باشد ربا است. » و قول دوم: عقد قرض را باطل نمی‌دانند، زیرا معتقدند هدف و قصد در قرض، رفاه و بهره مندی قرض گیرنده می‌باشد، پس هرگاه شرط باطل باشد، این ارفاق و سودرسانی به قرض گیرنده به مال خود باقی می‌ماند. (ابن قدامه، ۱۹۹۷، ص ۹۳)

۲. وضعیت ربا

امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۵ از نظر سرعت رشد اقتصادی رتبه دهم در جهان را کسب کرده بود اما این کشور اسلامی با وجود رشد و توسعه بر مبنای نظام سرمایه‌داری و بانک‌های ربوی، بخشی از فضای اقتصاد را نیز در اختیار بانک‌های اسلامی قرار داده است.

در امارات ۲۱ بانک محلی، ۲۵ بانک خارجی، دو بانک تخصصی و حدود ۵۰ دفتر نمایندگی دیگر بانک های خارجی وجود دارد. امارات متحده عربی درباره تعهدهای عضویت در سازمان تجارت جهانی و تحت فشار آن سازمان، حوزه بانکداری را برای رقابت خارجی باز کرده است. بانک مرکزی امارات این تعهد را در پایان سال ۲۰۰۴ میلادی با صادر کردن مجوز فعالیت های بانک های خارجی که تاکنون به هیچ وجه آن را صادر نکرده بود، نشان داد. افزون بر این، دولت با نگهداری بزرگترین سهم خود در این حوزه اهمیت آن را نشان می دهد و بیشتر به علت کنترل اقتصاد کلان که بر نفت و تجارت تکیه دارد، این امر را انجام داده است. (UAE Banking Sector Report .۲۰۰۷, p ۷)

در امارات هشت بانک از بانک های ملی، تحت قانون های شریعت فعالیت می کنند. (شاهسونی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹)

بانک های اسلامی در امارات جایگاه ویژه ای دارند، دولت این کشور کوشش بسیاری جهت گسترش آن ها در کنار فعالیت بانک های متعارف می کند. از جمله مهمترین بانک های اسلامی امارات متحده عربی بانک اسلامی دبی است که به ابتکار و خواست بخش خصوصی پدید آمد؛ هر چند که حمایت دولت از این بانک، نقش بسیار اساسی داشت. فعالیت های این بانک به طور کامل منطبق با قوانین اسلام و بر اساس منع ربا و با نظارت کمیته شریعت صورت می پذیرد. (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۳)

در کشور امارات متحده عربی قانون فدرال سال ۱۹۸۵ بر نظام نظارت شرعی بانکی حاکم است. ماده یک این قانون، موسسه های مالی اسلامی را به انجام فعالیت در چارچوب شریعت ملزم کرده که این امر لازم است در اساسنامه های موسسه ها تصریح شود. (میسسی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۴)

در امارات متحده عربی در فصل پنجم از باب هشتم با عنوان «الجرائم الواقعة علی المال» از کتاب دوم قانون مجازات امارات متحده عربی با عنوان قانون فدرال شماره (۳) مصوب سال ۱۹۸۷ میلادی طی چهار ماده به جرم انگاری ربا پرداخته شده است که به شرح ذیل است:

«ماده ۴۰۹: با حبسی که کمتر از سه ماه و جریمه ای که کمتر از دو هزار درهم نیست هر شخص حقیقی که با شخص حقیقی دیگری معامله ی ربوی کند با هر نوع معامله از معاملات مدنی و تجاری مجازات می شود و این هر دو شرطی که منافع صریح یا پنهانی است را شامل می شود.

در صورت اثبات عدم تطابق این کارمزد یا منافع با منافع یا خدمت واقعی مشروعی که بستانکار پرداخت کرده است، هرگونه کارمزد یا منفعت از هر نوع مورد نیاز بستانکار، منفعت پنهان محسوب می شود. حقیقت بدهی و بهره پنهان ممکن است به هر طریقی اثبات شود.»

«ماده ۴۱۰: مجازات مقرر در ماده قبل شامل هر کس که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، سود حاصل از معاملات مدنی یا تجاری بین اشخاص حقیقی را دریافت کند، حتی اگر حکم قطعی برای آنها صادر شده باشد و هنوز پرداخت نشده است نیز می شود.»

«ماده ۴۱۱: اگر مرتکب از نیاز، ضعف یا بدهی بدهکار سواستفاده کند برای ارتکاب هر یک از دو جرم مندرج در دو ماده قبلی، این از موارد تشدید محسوب می شود.»

«ماده ۴۱۲: هر شخص حقیقی که به قرض دادن پول با بهره (ربوی) عادت کرده باشد با حبسی که مدتش بیش از پنج سال نیست مجازات می شود.»

در سال ۲۰۱۶ میلادی قانون شماره ۷ در امارات متحده عربی تصویب شد و به موجب ماده ۱ این قانون، مواد ۴۰۹ و ۴۱۲ از قانون صدرالذکر اصلاح و مواد ۴۱۰ و ۴۱۱ به موجب ماده ۴ آن لغو گردید که در حال حاضر نیز در امارات متحده عربی حکم فرماست و نسبت به قانون ۱۹۸۷ میلادی عمده اصلاح به عمل آمده در سال ۲۰۱۶ میلادی در میزان مجازات تعیینی در رابطه با بزه ربا و اعتیاد به آن است بدین شرح که میزان مجازات بزه ربا از حبسی که کمتر از سه ماه و جریمه ای که کمتر از دو هزار درهم نخواهد بود به حبسی که کمتر از یک سال و جریمه ای که کمتر از پنجاه هزار درهم نباشد، تبدیل شده و مجازات تعیین شده برای اعتیاد به رباخواری از حبسی که بیش از پنج سال نیست به حبسی که بیشتر از پنج سال نیست و نیز جریمه ای که از صد هزار درهم کمتر نباشد تبدیل شده است. در اصلاح به عمل آمده افزایش میزان جریمه در ماده ۴۰۹ با توجه به تورم و گذشت مدت زمان طولانی از زمان تصویب قانون، لازم و ضروری بوده و افزایش میزان حبس در این ماده و افزوده شدن جریمه در ماده ۴۱۲ که حکایت از رویکرد قانونگذار بر تشدید مجازات و برخورد با رباخواری دارد، حائز اهمیت و توجه است.

در نظام بانکداری عربستان، بانک های متعارف و اسلامی در کنار هم فعالیت دارند. ضرورت تنظیم قوانین احتیاطی مؤثر، در بانکداری اسلامی و متعارف به یک میزان بوده و انواع ریسک های بانکداری اسلامی همان ریسک های مؤسسات مالی هستند.

ساما مسئولیت قانونگذاری و نظارت بر مؤسسات اسلامی و غیراسلامی را به طور همزمان و تحت یک قانون واحد برعهده دارد. هیچگونه هیئت فقهی مرکزی مستقلی در ساختار ساما برای نظارت بر بانکها و مؤسسات اسلامی وجود ندارد. در واقع ساما، بررسی و انطباق فعالیت های مؤسسات مالی را از دیدگاه تطابق با شریعت به خود آنها واگذار کرده است. هدف از اتخاذ این رویکرد، دادن نوعی آزادی عمل به بانک ها و ایجاد نوعی رقابت در ارائه رویکردها و ابزارهای منطبق با شریعت اسلامی عنوان شده است. (میسیمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۳)

لیکن دادن این آزادی عمل و خودگردان بودن هیئت های فقهی در بانک های عربستان سعودی، منجر به آرا و عقاید متفاوت در میان اعضای هیئت های فقهی بانکهای مختلف شده است و عدم وجود یک هیئت نظارت فقهی مرکزی، نظارت و حسابرسی در مؤسسات مالی اسلامی را با ضعف و تردید روبه رو کرده است.

عربستان سعودی دارای ۱۲ بانک سعودی و ۱۱ بانک غیرسعودی (خارجی) است. از ۱۲ بانک داخلی، ۴ بانک کاملاً اسلامی و ۸ بانک متعارف هستند.

الگوی کسب و کار بانکداری اسلامی در عربستان سعودی دو نوع است: الگوی اول که در واقع بانک های کاملاً اسلامی هستند که تمامی فعالیت هایشان منطبق بر شریعت است که به عنوان مثال بانک الراجحی در این دسته قرار می گیرد. در الگوی دوم که استراتژی پنجره نامیده می شود، بانک های متعارف، برند جداگانه برای ارائه بانکداری اسلامی دارند یا از طریق شعب ویژه، محصولات بانکداری اسلامی ارائه می دهند، گروه مالی سامبا در عربستان در این دسته قرار می گیرد.

دوگانگی در سیستم بانکی این کشور - به معنای فعالیت سیستم بانکی اسلامی در کنار بانکداری مرسوم و غیراسلامی - برای مشتریان بانکی، فرصتی را فراهم می سازد تا خدمات بانکی هر دو سیستم را با هم مقایسه کنند، و آنچه را متناسب تر می دانند انتخاب کنند.

در عربستان سعودی همانطور که گفته شد حقوق جزا فاقد متون قانونی مدون است. «هیئت المراقبه القضائیه» به عنوان یک نهاد قضایی در ۱۳۴۷ قمری طی مقرره ای ابراز داشت که احکام صادره از تمامی محاکم باید بر اساس مذهب امام احمد جنبل باشد و البته این مقرره اجازه داد در صورتی که فتوای امام احمد باعث مشقت و یا خلاف مصلحت عمومی باشد بر اساس مذهب دیگری رای صادر شود. (محمصانی، ۱۹۵۷، ص ۳۳۶)

این مصوبه در احکام مدنی و جزایی جاری است اما در عبادات، سعودی ها طبق مذهب خویش اقدام می کنند (محمصانی، ۱۹۵۷، ص ۳۳۷) همچنین در این مقرره مصوب شد در صورتی که دعاوی مربوط به مسابقات و اجاره نخل ها و ارث و وقف بود بر اساس مذهب غالب در مکانی که دعوی در آن اقامه شده واگذار خواهد شد. (آل دریب، ۱۴۱۹، ص ۲۹۲-۲۹۳) بر این اساس است که قانون گذاری در این کشور در خصوص نظام ماهوی مدنی و کیفری تاکنون شکل مدون به خود نگرفته و قضاوت به عنوان یک عمل شرعی با رجوع مستقیم و بی واسطه قاضی به منابع فقه حنبلی صورت می گیرد. این رجوع به شرع نیز از صلاحیت های اجباری قاضی است و نه صلاحیت اختیاری وی؛ از این روست که در قانون نظام القضا مصوب ۱۴۲۸ که بیانگر ساختار قضایی در عربستان است، تحصیل در دانشکده های شرعی برای ورود به عرصه ی قضا لازم دانسته شده است.

البته از لحاظ شکلی نظام حقوقی این کشور واجد نظام قضایی مدرن است و حجم بالایی از قوانین مصوب در این کشور در خصوص آیین دادرسی های قضایی است.

در خصوص ربا در فصل یازدهم از قانون دادگاه های تجاری مصوب ۱۳۹۰ هجری قمری عربستان سعودی به موجب ماده ۱۴۹ آمده است:

«هر کس هر نوع ترفند و حيله ای را مرتکب شود که عقد مجاز و مباحی را نشان دهد در حالیکه حرامی را قصد کرده و متوسل به ربا شده است؛ مثل اینکه کالایی را به ثمن معوق فروخته باشد، سپس آن را خودش یا نماینده اش یا به روش دیگری کمتر از ارزش فروش نقدی خریداری کرده یا چیزی به دیگری قرض داده و سپس با افزایش ناشایست و فاحش ارزش، آن را بفروشد که این ربا محسوب می شود و او سرمایه خود را دارد؛ با حبس از سه ماه تا یک سال و بدنام کردنشان مجازات می شوند.»

از مواد مذکور نکاتی مرتبط با رویکرد جنایی کشورهای امارات متحده عربی و عربستان سعودی نسبت به ربا به شرح ذیل قابل برداشت است:

۱. از آنجا که در ماده ۴۰۹ قانون مجازات امارات متحده عربی قید شده است: «کل شخص طبیعی تعامل مع شخص طبیعی آخر بربا» لذا مشخص است که علی رغم آنکه به موجب فصل دوم از باب چهارم (ماده ۶۵) از قانون العقوبات لدوله الامارات العربيه المتحده مصوب ۱۹۸۷ و اصلاحی ۲۰۱۶ وقوع جرم توسط اشخاص حقوقی را پذیرفته است، این امر را نسبت به بزه ربا جاری ندانسته است و صرفاً این اقدام را در صورت ارتکاب توسط اشخاص حقیقی واجد وصف کیفری دانسته است.

۲. منظور از اعتیاد به انجام معامله ربوی در ماده ۴۱۲ قانون مجازات امارات متحده عربی مشخص نشده است و بیان نگردیده که شخص با انجام چند معامله ی ربوی معتاد محسوب می گردد و آیا باید برای هر یک از معاملات سابق می بایست محکوم شده باشد یا خیر؟ که به نظر می رسد برای محکوم نمودن اشخاص به اعتیاد به معامله ی ربوی، عرف ملاک عمل باشد و شخصی که از لحاظ عرف جامعه معتاد محسوب شود را می توان به استناد این ماده محکوم نمود و لزومی به محکوم شدن سابق شخص نیز نباشد چراکه ممکن است شخصی که در یک پرونده تحت تعقیب قرار می گیرد کاشف به عمل می آید که سابق بر این نیز چندین معامله ی ربوی داشته و به این امر عادت نموده است که عدم مجازات وی به استناد این ماده فاقد وجهت قانونی است.

۳. قانونگذار اماراتی و عربستانی تعریف مشخصی از ربا مطرح نموده اند لذا از آنجا که منشا ربا فقه است لازم می آید جهت شناخت تعریف ربا به فقه مراجعه شود.

۴. میزان وجوه موضوع معامله ربوی در امارات متحده عربی تأثیری در میزان جریمه ندارد و به عبارت دیگر میزان جریمه وابسته به میزان معامله ی ربوی نیست.

۵. ماده ۱۴۹ قانون دادگاه های تجاری عربستان سعودی مجازات کسی که سعی در رباخواری دارد را صرفاً حبس و بدنام کردن پیش بینی کرده و در این صورت، حيله گر فقط سرمایه خود را می گیرد، نه مقدار سود را.

۶. نظام سعودی به مجازات تبانی در مورد ربا به آنچه در گفته های فقها در مورد مشارکت در کلاهبرداری از جمله آنچه در گروه فتاوا آمده است استناد می کند: «پیامبر ترکیبی از پیش فروش و بیع را ممنوع کرد، زیرا اگر به او

قرض دهد و به او بفروشد، فروش قرض شده است. همینطور اگر آن را اجاره کرده و فروخته باشد، و آنچه از بیع امانت نشان می دهد در آن توافق می کنند که اگر ثمن را برای او بیاورد، بیع را به او برگرداند که مطابق اتفاق ائمه فاقد اعتبار است، خواه آن را در قرارداد شرط کرده باشد یا قبل از عقد با هم تبانی کرده باشند - طبق صحیح ترین سخنان علما- و وظیفه در این موارد استرداد مال و ثمن به صاحب آن است و هر کدام از این دو شخص اگر از حرام بودن وامی که سود می برد آگاه باشند تعزیر می شوند». (ابن تیمیه ، ۲۰۰۴ ، ص ۳۳۴)

۷. مشهود است که مجازات تبانی برای حيله های ربا برای هر دو همدست است، که در ماده ۱۴۹ قانون دادگاه های تجاری پیش بینی شده است، جایی که شرط می کند فریب کاران با حبس و بدنامی بی اعتبار شوند، همانطور که ابن تیمیه تأکید می کند که اموال باید به صاحب خود برگردانده شود، یعنی بدون افزایش یا کاهش، در ماده ۱۴۹ ذکر شده است که حيله کننده چیزی جز سرمایه خود ندارد.

۸. در مورد روش و وسیله بدنام کردن باید گفت که در هر زمانی، وسیله و روش مناسبی وجود دارد و هر روشی که به هدف بدنام کردن برسد مجاز به اتخاذ است؛ و آنچه در گذشته اتفاق می افتاد، عاملانی بودند که مجرم را زیر و رو می کردند و آن را طواف می دادند و مردم را به انجام آن دعوت می کردند و هدف رساندن خبر به بیشترین تعداد ممکن از آن جامعه بود و شکی نیست که توسعه رسانه ها در عصر حاضر، به ویژه رسانه های چاپی، شنیداری و تصویری، این هدف را محقق می کند. (الشنقیطی ، ۱۴۳۲ ، ص ۲۱)

۹. در ماده ۱۴۹ قانون دادگاه های تجاری عربستان سعودی از کلمه «من» به معنی کس استفاده شده که صرفاً به اشخاص حقیقی گفته می شود لذا به مانند امارات متحده عربی ربا در بین اشخاص حقوقی در کشور عربستان سعودی و از سوی دولت این کشور نیز جریان داشته و جرم محسوب نمی شود.

۳. مدل سیاست جنایی

در یک نظام حقوقی نسبت به موضوعات مختلف سیاست جنایی خاصی اتخاذ می گردد که هر سیاست جنایی به یک یا چند مدل ارجاع می شود و در جهت شناخت سیاست جنایی می بایست تجزیه و تحلیل بر اساس مدل ها صورت گیرد. با این حال نباید از نظر دور داشت که همه ی مدل ها صرفاً تخمین هایی از سیاست جنایی مورد تجزیه و تحلیل اند. مدل در واقع تقریبی است و به معرفت و شناخت بیشتر می انجامد.

مدل ها بدین نحو است که نسبت به بزه و انحراف می تواند پاسخ ها دولتی و یا جامعه‌ی باشد. پاسخ های دولتی می تواند از طریق نظام کیفری و یا مدنی باشد و پاسخ های جامعه‌ی می تواند با یک پاسخ خاص اجتماعی یا پاسخ اعتراض آمیز گروه اجتماعی (طرد مجرم یا منحرف، انتقام جویی یا میانجیگری معمول توسط گروه) یا یک پاسخ انفرادی از سوی بزه دیده مشروط به اینکه این پاسخ از سوی گروه پذیرفته شده باشد می باشد.

در انحراف پاسخ جامعه‌ی بدین شکل است که تمایل و سعی در آشنا کردن افراد با هنجارهای جامعه با استفاده از تربیت در خانواده، مدرسه و محیط شغلی و اجتماعی پیرامون فرد می باشد.

امارات متحده عربی در برابر ربا دو مدل و سیاست را در پیش گرفته است بدین نحو که نسبت به ربا در بین اشخاص حقوقی و حقیقی واکنش‌های مختلف نشان می دهد که به شرح ذیل به بررسی آن می پردازیم:

الف. اشخاص حقیقی

شناسایی هر سیستم سیاست جنایی متکی بر عناصری است که نا متغیرند، پدیده‌هایی که به طور محسوس برای همه ی آدم‌هایی که در جامعه زندگی می کنند یکی هستند، پدیده‌هایی در این معنا همگانی (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۴۹) این عناصر عبارتند از: «رفتارهای متضمن انحراف از هنجارها» و «پاسخ‌های جامعه» که هر یک از این عناصر با کیفیات و شرایط مختص به خود و روابط اساسی و فرعی بین آنها مقدمه‌ی معرفی مدل‌های سیاست جنایی را فراهم آورده تا بر اساس قانون غلبه یا رجحان حاکم بین روابط دولتی و روابط اجتماعی که قانون اساسی تشکیل مدل‌ها در سیاست جنایی به شمار می رود، چهار مدل کامل (جرم-پاسخ دولتی، جرم-پاسخ اجتماعی، انحراف-پاسخ دولتی، انحراف-پاسخ اجتماعی) ساخته شود. نقطه تلاقی مدل‌های دولتی عبارتست از پاسخ دولتی به جرم که از طریق حقوق کیفری به منصفه‌ی ظهور می رسد اما از آنجا که جنبه قانونی یا توجیه قانونی دولت در همه ی مدل‌های دولتی یکی نیست، در مقابل انحراف، یعنی تخطی از نرمالیت، ساختار مدل‌ها متفاوت می گردد. در نتیجه این تفاوت سه مدل دولتی تحقق پذیر مشاهده میشود (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۶۹) که از جمله مدل دولت-جامعه مردم سالار است.

امارات متحده عربی در مقابل ربا از سوی اشخاص حقیقی مدل دولت جامعه‌ی مردم سالار را اعمال نموده و نسبت به بزه ربا پاسخی دولتی داده و مجازات کیفری تعیین نموده و از لحاظ مدنی نیز با آن برخورد کرده است و انحرافات مرتبط را از طرق جامعه‌ی پاسخ می دهد.

در این مدل از سویی دولت مرجع انحصاری پاسخ دهی به جرم تلقی می شود و از سوی دیگر دولت در پاسخ دهی به انحراف نقشی ندارد و در عین حال پاسخ دهی دولت به جرم در کیفر منحصر و خلاصه نمی شود و شبکه‌های دیگر پاسخ دهی به جرم همچون مجازات‌های اداری، مجازات‌های مدنی، نهاد میانجیگری در کنار کیفر در مقام پاسخ دهی نقش آفرینی می کنند. در پاسخ اجتماعی به انحراف نیز حضور نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، محیط کار، مراکز مذهبی و ... مشاهده می شود. (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵، ص ۶۷)

علیرغم اینکه در هیچ نظام حقوقی در ارتباط با لزوم مداخله دولت در سیاست جنایی‌های اتخاذی هیچ سطحی از تردید محلی از اعراب ندارد، اما این مسأله نیز پذیرفته شده است که این مداخله بایستی کاملاً دارای قیود و محدودیت باشد آنهم به نحوی که در قالب یک مدل اجرایی مهار شده جلوه کند و تضمین حقوق ملت و مقابله با نقض آنها را از نظر دور ندارد (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۳۹)

همانطور که گفته شد قانونگذار اماراتی صرفاً نسبت به جرم انگاری ربا نسبت به اشخاص حقیقی اقدام نموده و با تعیین مجازات به مبارزه با آن می پردازد. از سوی دیگر ضمانت اجرای مدنی نیز در جهت مقابله با رباخواری پیش بینی نموده است.

در حالت متغیر مدنی در قالب سنتی یک محاکمه حقوقی رابطه با قانون، یعنی مرجع دولتی، به دلیل نقش و تاثیر قاضی در زمینه مسئولیت مدنی، انعطاف پذیرتر است. عده ای از نویسندگان، پیوستگی حقوق مدنی مسئولیت را در مقابل ناپیوستگی حقوق جزایی قرار می دهند. رابطه ی متغیر مدنی با مراجع جامعوی از طریق بزه دیده اساسی است. همانطور که خانم برنات دوسلیس^۱ برای فرایند کیفری می نویسد: «فرایندی تلقی می شود که دعوا را از اشخاص مستقیماً ذی نفع - به اصطلاح - می رباید» (Bernat de celis, ۱۹۸۲, p ۱۳)

امارات متحده عربی در قانون المعاملات المدنيه لدولة الامارات العربيه المتحده مصوب ۱۹۸۵ میلادی و اصلاحی ۱۹۸۷ میلادی در مقام پاسخ مدنی به ربا برآمده است. در ماده ۷۱۴ این قانون بیان شده است: «اذا اشترط فی عقد القرض منفعه زائده علی مقتضى العقد سوى ضمان حق المقرض بطل الشرط و صح العقد». ترجمه: «اگر عقد قرض منفعت بیش از شرط قرارداد را به استثنای تضمین حق وام دهنده شرط کند، شرط باطل است و عقد صحیح است.» و در ماده ۷۳۳ این قانون آمده است: «لايجوز الصلح اذا اشتمل علی مانع مما یاتی: ... ۴. ربا النسيه». ترجمه: «صلح در صورتی که مانعی شامل موارد زیر باشد جایز نیست: ... ۴. رباخواری». همچنین در ماده ۱۱۱۸ این قانون می گوید: «يجوز للمحال له والمحال علیه بعد انعقاد الحواله التراضی علی جزء من الدين او اقل منه او علی تاجیل الدين الحال او تعجيل الموجل او اخذ عوض الدين مالم یود ذلك الی رباالنسيه». ترجمه: «پس از انعقاد حواله، جایز است محال له و محال علیه توافق کنند بر بخشی از بدهی یا کمتر از آن، یا به تعویق انداختن بدهی جاری، یا تسریع در بدهکار یا گرفتن غرامت بدهی، مگر اینکه بخواهد این کار را برای ربا انجام دهد».

از سوی دیگر امارات متحده عربی پاسخ به انحراف را به جامعه واگذار نموده است. جامعه مدنی به کلیه اجزاء و ساز و کارهای غیر دولتی در هر نظام اجتماعی و هر آنچه در چارچوب قدرت و تحت سیطره دولت نباشد اطلاق می گردد که به موازات نظام کنترل رسمی و مخصوصاً نهاد دولت، ایفای نقش می نماید. مفهوم جامعه مدنی از گستردگی خاصی برخوردار است و لذا شامل محیط های خانوادگی و شخصی، انجمن های مردم نهاد، سندیکاها، نظام صنفی و ... می گردد. سازمان های جامعه مدنی که شامل سازمان های داوطلب غیردولتی یا تشکل های دولتی و سازمان های مردم نهاد می باشد، می تواند در برگیرنده اصناف، اتحادیه های تجاری، گروه های مردمی و تعداد زیاد دیگری از عناصر غیردولتی باشد که ممکن است در فعالیت های خدماتی، حمایتی و غیره مشغول باشند. در عین حال از آنجا که در چارچوب خاص سیاست جنایی، جامعه مدنی جزئی از هیأت اجتماع است که در پاسخ های آن به پدیده مجرمانه - عمدتاً در حوزه انحراف - سهیم می شود، نهادهایی همانند محیط مدرسه، محیط مذهبی و ... را هم باید به این مفهوم از جامعه مدنی افزود

^۱Bernat de celis

(جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵) همانطور که دولت در عرصه سیاست جنایی از قدرت مانور بسیار بالایی برخوردار است، جامعه مدنی نیز ممکن است در این عرصه، به نحو قابل ملاحظه ای عرض اندام نماید (عباسیان، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

امکان اخیرالذکر، به ساختار کلان نظام اجتماعی و به تبع آن ساختار رژیم حقوق کیفری حاکم بستگی دارد. به عبارت دیگر، قلمرو مداخله جامعه مدنی به نحو آشکاری تحت الشعاع محدوده قدرت دولت و میزان مداخله آن قرار دارد. جامعه مدنی که عینیت یافتن نقش و کارکردهای عملی آن در گستره سیاست جنایی حکایت از مشارکتی و گفتمان مدار شدن نظام اجتماعی دارد، خود یک ساختار با کالبد و قلمرو مستقل است که زمانی می توان در مفهوم علمی از آن سراغ گرفت که هم از قدرت اظهار نظر و مداخله در سیاستگذاری های کلان برخوردار باشد و هم اینکه در امور اجرایی نظام اجتماعی مداخلت داشته باشد. بر این اساس، زمانی در یک جامعه می توان از نهاد جامعه مدنی به مثابه یک هویت مستقل صحبت به میان آورد که اولاً در آن جامعه، دولت قدرت محض و فراگیر نباشد و در حوزه های مختلف به نحو محسوس به جامعه مدنی اجازه مداخله بدهد، ثانیاً سازمان ها، تشکیلات و ساختارهای جامعه مدنی به مفهوم علمی آن برقرار باشد.

(Fernandez Armesto, ۲۰۰۰, p ۲۱۱)

از زمان تأسیس امارات متحده عربی تاکنون، تحولی برای نظارت بر اجرای حکومت وجود نداشته و به تدریج حرکت‌هایی آرام در جهت تحولات سیاسی در این کشور مشاهده می‌شود. اگرچه این کشور آزادی‌های فراوانی را در زمینه‌های اقتصادی و تجاری قائل شده، تلاش کرده است با ایجاد زمینه‌های آزادی مطبوعاتی و فردی، مشارکت بیشتر مردمی را در حکومت به وجود آورد. امارات تنها کشور عضو شورای هم‌کاری خلیج فارس است که تاکنون هیچ‌گونه انتخابات مردمی، حتی در سطح شوراهای شهر در آن برگزار نشده است. (باقری چوکامی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲-۱۶۳) هیچ‌گونه فعالیت حزبی در این کشور وجود ندارد و بیش‌تر دارای جمعیت‌ها و باشگاه‌های اجتماعی، هنری، صنفی، فرهنگی و فکری است که بیش‌ترین هم‌گرایی را با سیاست‌های راهبردی و کلان نظام امارات متحده دارند. مجلس ملی فدرال امارات با عضویت چهل نماینده انتصابی از سوی حاکمان بدون داشتن حق قانون‌گذاری و تصویب قوانین، یا حق رد صلاحیت و تأیید وزیران، فقط به عنوان نهادی مشورتی عمل می‌کند. کلیه این موارد گویای آن است که هر چند جامعه مدنی امارات متحده عربی نسبت به انحراف پاسخ می‌دهد منتهی این پاسخ باتوجه به ساختار رژیم حاکم و مداخله ی آن محدودیت دارد. مبارزه با ربا در جامعه ی امارات از طریق تدریس مسائل دینی در مدارس و اعلام مواضع دینی در مساجد و پایگاه های مذهبی و تشکل های اجتماعی نسبت به ربا صورت می گیرد.

ب. اشخاص حقوقی

امارات متحده عربی در مقابل ارتکاب ربا از سوی اشخاص حقوقی مدل سیاست جنایی جامعه ی غیرمرتبط با دولت را اعمال می نماید. فرمول مدل سیاست جنایی جامعه ی غیرمرتبط با دولت (جامعه ی همیشه ناظر) به نحوی است که پاسخ به انحراف و بزه جامعه ی است.

خانم دلماس مارتی معتقد است که این مدل شاخص جوامعی است که در آن ها نگاه ناظرانه ی هرکس نسبت به دیگران پاسخ دائم به بزه و انحراف با هم است. مراقبت و نظارت نسبت به یکدیگر، ممکن است شکل انتقام جویانه ای به خود گیرد که بیش یا کم جنبه ی آیینی یا شکل گروهی (اجتماعی) پیدا می کند. پاسخ جمعی گروه احتمالاً در قالب راهبرد (استراتژی) کنارگذاری متخلف از گروه یا از طریق اعمال پاسخ نمادینی که جایگزین خشونت می شود، بیان می گردد. (لازرز، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴)

همانطور که گفته شد در بانک های اماراتی با توجه به اینکه بانک ها اشخاص حقوقی محسوب می شوند به وفور معاملات ربوی وجود دارد. همچنین ربا در معاملات بین المللی دولتی (امارات متحده عربی) وجود دارد که از مهمترین ابزارهای سیاست استعماری است. کسی که اسباب استعمار قدیمی و مدرن را بررسی و تحلیل کند به روشنی به این موضوع پی می برد که این قوای محرکه برای یهودیان رباخوار است. کشورهای انگلستان و فرانسه در دو قرن اخیر با استفاده از تجار و بازرگانان، کشورهای زیادی را به استعمار درآورده و بر مواد خام آنها با کمترین قیمت مسلط شده اند و سپس با قیمت های بالا با تضمین پرداخت سود معامله نموده اند و سهم کافی از سود برای آنها باقی مانده است. این همان اتفاقی است که در خاور نزدیک و دور افتاده است. از طرف دیگر، وام دهندگان بزرگ توانستند بانک ها و خانه های پول را کنترل کنند و آنها با بهره های ناپسند به کشورهای فقیر وام دادند. این مسیر برای استعمار به بهانه حفظ سرمایه بود. آنچه در معاملات بانکی به یقین مجاز و آنچه به یقین حرام است را مخلوط کردند به نحوی که برخی کشورهای عربی چهار میلیارد قرض گرفته و سپس بیست میلیارد برگردانده اند. به عبارت دیگر، سیستم رباخواری جهانی از طریق دو برابر شدن انجام می شود و بانک ها در جهان اسلام بخشی از این سیستم کلی هستند که قدم به قدم آن را دنبال می کنند. (الحبیبه، ۲۰۱۰، ص ۱۶۴-۱۶۵)

در امارت متحده عربی اهمیت زیادی به امر آموزش و پرورش داده می شود. در مدارس امارات متحده، تنها مذهب اهل تسنن تدریس می شود (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۴۵۳) و بالتبع همانگونه که در خصوص واکنش امارات متحده عربی در خصوص ربا از سوی اشخاص حقیقی بیان شد، به بیان ممنوعیت شرعی ربا در مدارس از منظر فقه مالکیه پرداخته شده و در سطح جامعه نیز از طریق مساجد و گروه های مذهبی به مقابله با آن از طریق پیشگیری از ارتکاب آن، پرداخته می شود و دولت هیچگونه نقشی در مقابله با انجام ربا از سوی اشخاص حقوقی ایفا ننموده و حتی خود به عنوان شخص حقوقی به رباخواری مشغول است.

اما عربستان سعودی، قانون اساسی خود را قرآن و سنت پیامبر معرفی می نماید، ولی نظام سیاسی آن، پادشاهی مطلقه بوده و قوه مقننه آن انتصابی و مصوبات آن جز در موارد اندک، صرفاً مشورتی و تصمیم گیرنده نهایی، پادشاه است. علما در مورد ضرورت حاکمیت شرع در همه ابعاد زندگی، اعم از عمومی یا خصوصی اجماع دارند و این شامل اعمال سیاست شرعی در مواردی است که نصی وجود ندارد و حاکم باید مقررات مناسب برای دستیابی به منافع و جلوگیری از فساد و دستیابی به ثبات اجتماعی و امنیتی را وضع کند. (الناصر، ۲۰۱۸، ص ۳۲)

در عربستان سعودی حاکم باید بر اساس سیاست شارع بر مردم حکومت کند تا مقاصد شارع علنی و روشن محقق شود. (الناصر، ۲۰۱۸، ص ۳۳)

با توجه به رابطه ای که بین احکام فقهی و نظام حقوقی عربستان وجود دارد می توان بیان داشت در این کشور مدل تعامل برقرار است. در این مدل هدف نظام حقوقی وحدت نصوص شریعت با نظامات حقوقی نیست بلکه در این عرصه با محوریت قوانین موضوعه، تلاشها می تواند مصروف در دو جهت گردد: اول اینکه قوانین و مقررات وضع شده از سوی نهادهای واجد صلاحیت مطابق با مفاد شریعت باشد و دوم اینکه در این مدل ممکن است بر اساس جهت اول، مفاد یک نظام حقوقی در حد امکان منطبق با فقه اسلامی و در واقع قوانین و نظامات متخذ از ادله شرعی باشد همانگونه که احکام فقهی از ادله مربوط استنباط می شود و یا بر اساس جهت دوم عدم مغایرت قوانین با احکام فقهی کفایت می کند و انطباق لازم نیست. مشخص است که در این مدل می توان گونه ای همکاری را از طریق نهادهای دینی و یا علمای دینی مشاهده نمود؛ نهادهایی که البته با اراده دولت و با همکاری علما پدید آمده است.

در عربستان سعودی جنایت هر عملی که شرع آن را منع کرده باشد تعریف می شود؛ چه در شکل مثبت آن، مانند ارتکاب آنچه شرع منع کرده است، یا در شکل منفی آن مانند انجام ندادن کارهایی که باید انجام شود. این عمل توسط شخصی به نام مجرم انجام می شود؛ خواه این عمل در مورد یک انسان، در خشکی، در دین یا سایر مواردی که مجازات شرعی دارد انجام شود. با این حال، بیشتر فقها دانسته اند که جرم جنایتی نسبت به شخص دیگری است که مستلزم قصاص، جزای نقدی یا کفاره است و در مورد سایر جرایم جنایی، حدود یا تعزیرات گفته می شود. (الشاذلی، ۲۰۱۰، ص ۲۳)

برای تعزیر بیان شده است که گناهی که حد و حدودی برای آن تعیین نشده باشد، مانند کسی که زن نامحرم را می پذیرد، یا به مردم تهمت می زند و مجازات تعزیر و تادیب به اندازه ای است که والی بخواهد البته با در نظر گرفتن بزرگی و کوچکی آن گناه. برای کمترین تعزیر حدی مشخص نشده است بلکه به هر شکلی که برای انسان دردناک باشد از حرف تا عمل، بنابراین ممکن است شخص با توبیخ، کنار گذاشتن شدن یا امثال آنها تعزیر شود. (الناصر، ۲۰۱۸، ص ۱۱۱)

نظام سلطنتی عربستان سعودی یکی از محافظه کارترین نظام های سلطنتی در جهان است و طبق استانداردهای غربی رژیم بسیار اقتدارگرا است. پادشاه با صدور احکام و دستورات حکومت می کند.

تاسیس احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، چانه زنی دسته جمعی و اعتصاب ممنوع و آزادی بیان به ویژه انتقاد از دولت و خاندان حاکم به شدت محدود است. اقلیت ها به ویژه شیعیان و همچنین زنان از بسیاری از حقوق اساسی محرومند و در انزوا نگه داشته می شوند. با وجود چنین مسائل و ساختاری، عربستان با مجموعه ای از چالش های داخلی روبرو است که می توانند زمینه ساز بروز نارضایتی در بدنه اجتماعی در این کشور شود. (یوسفی، ۱۳۹۹، ص ۱)

بر اساس شاخص دموکراسی اکونومیست ۲۰۱۰، دولت سعودی از بین ۱۶۷ کشور موجود در این شاخص، به عنوان استبدادی ترین رژیم در رتبه هفتم قرار گرفت. هیچ گونه حمایت قانونی از آزادی بیان وجود ندارد و مردم از انتقاد علنی از دولت، اسلام یا خانواده سلطنتی منع شده اند. (James, ۲۰۰۱, p ۶۶۵) مطبوعات عربستان تحت سانسور شدید قرار می گیرند و مقالاتی از مخالفان سعودی نیز حضور دارند. سانسور سعودی یکی از محدودترین موارد در جهان است، زیرا این کشور بخشهای زیادی از اینترنت را مسدود می کند. دولت همچنین پس از اعتراضات در کشور در سال ۲۰۱۱ همه تظاهرات و تجمعات عمومی را ممنوع اعلام کرد. (Daryl, ۲۰۰۳, p ۲۶۷)

با اوصاف فوق سیاست جنایی کلی عربستان سعودی را می توان مشمول مدل دولت اقتدارگرای فراگیر دانست. در مدل اقتدارگرای فراگیر پاسخ به بزه و انحراف دولتی است. در این مدل به کلیه ی رفتارهای حاکی از عدم قبول هنجارها، از طریق یک حرکت محاصره ای، می پردازد و آن ها را بدون تفکیک بزه از انحراف، با هدف تحمیل یک شیوه واحد تفکر و عمل به طوری که انسان های همانند شده بتوانند خود را در یک پیکره ی واحد کاملاً متجانس حل و ادغام کنند- به طور یکسان سرکوب می کند. مدل دولت اقتدارگرای فراگیر، اصولاً بزه و انحراف را در یک مفهوم ادغام می کند. (لازرز، ۱۳۹۵، ص ۹۴)

فراگیر یا توتالیتیر برای رژیم هایی به کار می رود که دارای این مشخصات باشند: نظارت دولت بر همه ی جنبه های فعالیت اقتصادی و اجتماعی، انحصار قدرت سیاسی در دست یک حزب حاکم و حذف هرگونه نظارت آزادانه ی جامعه بر دولت، دست یازی به ترور برای سرکوبی هرگونه مخالفت و نارضایتی، تسلط یک فرد یا گروه بر حزب و دولت، تلاش برای شکل دادن به جامعه بر اساس ایدئولوژی حزبی، بسیج همه ی نیروهای جامعه در راه هدف های حزب و دولت و از میان بردن آزادی های فردی. در دولت قراگیر دست یازی های دولت در حیات جامعه محدود به هیچ حد قانونی نیست و دولت با یکسان کردن آموزش، نظارت بر فعالیت های ادبی و هنری و در دست گرفتن تمام رسانه ها مجراهای خبری نظارت بر آن ها، همه ی نیروهای جامعه را در خدمت خود می گیرد و هدایت می کند. دولت فراگیر وجود گروه ها یا افرادی را که نخواهند گردن به رهنمودهایش بگذارند یا در جهت هدف هایش وظیفه ی معینی بر عهده نداشته باشند، تاب نمی آورد. البته حدود نظارت هیچ دولتی نمی تواند مطلق باشد و فراگیرندگی مفهومی نسبی است. (آشوری، ۱۳۷۰، ص ۲۴۰-۲۴۱)

دولت اقتدارگرای فراگیر قسمت اعظم سیاست های پیشگیری از جرم را نافی حقوق کیفری می داند و تامین امنیت جامعه را با هر وسیله ای توجیه می کند، بنابراین راهبرد خود را بر مبنای اقدامات قهرآمیز و تحدید شدید فضای آزادی جامعه به نفع دولت قرار می دهد و حضور پلیس، اعمال مجازات و مداخله ی بدون مسامحه ی نظام کیفری بیشتر پلیس به دنبال پیشگیری واکنشی یا تدافعی از طریق ارباب، عبرت و طرد مجرم را در دستور کار خود قرار می دهد. (دارابی، ۱۳۹۳، ص ۶) لذا در مدل اقتدارگرای فراگیر توسل به مقوله ی کیفری به عنوان در دسترس ترین ابزار، همراه با نادیده انگاشتن اصول مسلم حقوقی و اخلاقی است. (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۷)

پادشاهی عربستان سعودی بر این اساس در جهت پیشگیری از جرم و انحراف من باب امر به معروف و نهی از منکر اقدام می نماید. در جهت انجام تعهد خود به امر به معروف و نهی از منکر، دستگاه مستقلمی ایجاد کرده است که سیستم، موجودیت و قدرت خود را دارد تا بتواند بر اساس راهنمایی های کتاب خدا و سنت عمل کرده و نقش مهم خود را ایفا نماید. بنابراین، وجود این دستگاه با عنوان ریاست عمومی امر به معروف و نهی از منکر - نقطه روشنی در پادشاهی عربستان سعودی محسوب می شود. (الشافی، ۱۴۲۵، ص ۲۰۷)

وظیفه انجام امر به معروف و نهی از منکر به این دستگاه سپرده شده که در تلاش برای حفظ جامعه خالص و روشن، به دور از آلودگی به شرارت، بی نظمی ها و جرایم است، و این یکی از مهمترین مواردی تلقی می شود که ستون های پادشاهی عربستان سعودی بر روی آنها تأسیس شده است و این همان چیزی است که رهبران این کشور در هر مجلس و مناسبتی اعلام می کنند و بیان می دارند که ایجاد یک فضای عمومی سالم برای مردم منوط به امر به معروف و نهی از منکر است. (الشافی، ۲۰۸، ص ۱۴۲۵) در حالیکه در بسیاری از کشورهای اسلامی من جمله ایران عموماً در جهت امر به معروف و نهی از منکر از پاسخ های جامعه‌وی و نه دولتی استفاده می شود.

بدین سان، ماهیت استبدادی اینگونه دولت ها مانع از شکل گیری واقعی جامعه‌ی مدنی شده و نهادهای مدنی نقش موثری در حوزه‌ی پیشگیری از جرم ندارند و کسانی که قدرت را در دست دارند خود را مکلف نمی دانند که در فواصل معین زمانی پاسخگوی مردم باشند. در این جوامع، تشکیل احزاب سیاسی معمولاً ممنوع و احزاب موجود منحل و یا به حالت تعلیق درمی آیند؛ در چنین رویه‌ای، مشورت و نظرخواهی از مردم صوری است، (دارابی، ۱۳۹۳، ص ۹) امری که در عربستان سعودی محقق است و حتی در عربستان ایجاد سازمان های غیردولتی نیز ممنوع اعلام شده است. (Elbaya, ۲۰۰۵, □ ۳)

در عربستان سعودی ارگان ها و وظایف و مسئولیت های خود را در کنار سایر دستگاه های دولتی به ویژه وزارت کشور انجام می دهند و نقش نهادها در دستیابی به امنیت در مفهوم جامع و یکپارچه آن و به طور خاص آنچه مربوط به امنیت قراردادی و امنیت اخلاقی است، از طریق اقدامات و وظایفی که است مطابق با سیستم و مقررات اجرایی خود انجام می دهند. نقش آن ها در مبارزه با جرم مهم و محوری است. (الشافی، ۱۴۲۵، ص ۲۰۹) بر این اساس مجموع دستگاههای دولتی در عربستان سعودی به صورت یکپارچه موظف به مقابله با جرایم اند.

مهمترین وجه ممیزه این دولت، نبود و یا مشارکت اندک مردم در عرصه‌ی پیشگیری از جرم است، به نحوی که دولت در وضع قوانین و محدودساختن حوزه‌ی آزادی های اشخاص، بدون لحاظ نمودن نظر شهروندان اقدام می نماید. به واسطه‌ی عدم پذیرش جامعه‌ی مدنی و سازمان های مردم نهاد به تبع هیچگاه شاهد سیاست جنایی مشارکتی در راستای اقدامات پیشگیرانه نخواهیم بود. (دارابی، ۱۳۹۳، ص ۹)

در کشورهای اقتدارگرای فراگیر حق مردم بر تامین حقوق و آزادی ها در برابر نهادهای پلیسی - قضایی، در نهایت قربانی حفظ امنیت سیاسی حاکمیت می شود و حقوق بنیادین افراد به بهانه‌ی حفظ امنیت سیاسی حاکمیت زیر پا گذاشته

می شود، به نحوی که در این شکل جدید حق بر امنیت بر سایر حقوق انسانی برتری داده می شود. کیفر به ابزاری نه برای اصلاح مجرمان و پیشگیری از تکرار جرم، بلکه برای سرکوب آن ها تبدیل می شود، در این فضا است که مدیریت ریسک مدار و کنترل اجتماعی حاکم می شود. (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶)

استقلال قضایی در عربستان سعودی برای کنترل سوء استفاده از قدرت توسط نهادهای حکومتی امری فراموش شده است و اعمال قدرت و کنترل همه جانبه و فرهنگ امنیتی را به عنوان تدابیر پیشگیرانه ی خود در نظر گرفته اند.

با این وصف مردم و جامعه مدنی در این مدل جایگاهی ندارند و حاکمیت به محض عدول شهروندان از هنجارهای اجتماعی، به آن به عنوان جرم پاسخ می دهد. لذا شاهد افزایش جرم انگاری، استفاده از رویکردهای امنیتی در قالب توسعه ی فضای کنترل شده و استفاده ی بی حد و حصر از تدابیر پیشگیرانه ی وضعی - فن آورانه و کیفری، بدون رعایت حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی هستیم. (دارابی، ۱۳۹۳، ص ۳)

عربستان سعودی در افزایش جرم انگاری به حدی پیش می رود که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها را زیر پا گذاشته و دست دستگاه قضایی این کشور در مقابله با هر بزه یا انحرافی که مخالف عقاید آنان باشد باز است تا با عنوان این موضوع که فعل واقع شده مخالف آنچه در فقه آمده است می باشد به مجازات مرتکب پردازند.

تبلیغات وسیع، روابط ادراکی شهروندان با واقعیت را تخریب می کند و آن ها را آماده پذیرش ادعای حکومت می سازد. (عالم، ۱۳۸۴، ص ۲۳۷). بر این اساس با رویکرد قیم مآبانه، اجبار و اکراه سعی دارند افراد جامعه را به انجام یا ترک عملی وادارکنند. در این مدل، از یک سو، پیشگیری از جرم کاملاً دولتی است و از سوی دیگر، این ترکیب محدود به نهادهای قضایی و پلیسی با کارکرد سرکوبگر و واکنشی است. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰)

دولت بر تمامی جنبه های فعالیت اقتصادی و اجتماعی نظارت دارد و در آن قدرت سیاسی تنها در دست یک حزب یا جناح است و هرگونه نظارت از سوی جامعه نسبت به دولت از بین رفته است. در چنین جامعه ای فشار از بالا به پایین جاری است و حکومت تلاش می کند که جامعه را بر اساس ایدئولوژی خود بسازد. در راستای تحقق چنین هدفی، حکومت با توسل به ترور و تبلیغات فضای مطلوب را برای خود ایجاد می کند. (دارابی، ۱۳۹۳، ص ۴) امری که عربستان سعودی به طور مثال نسبت به جمال خاشقچی انجام داد.

ربا از معدود مسائلی است که مجازاتش در عربستان سعودی در قانون پیش بینی شده است. همانطور که بیان شد این جرم انگاری صرفاً نسبت به اشخاص حقیقی قابل مجازات دانسته شده و انجام ربا توسط اشخاص حقوقی جرم انگاری نشده است. عربستان سعودی به بزه ربا به مانند بسیاری از موضوعات دیگر به صورت دولتی، با تعیین مجازات پاسخ داده و نسبت به انحرافات موجود در این زمینه نیز با تاسیس سازمان دولتی امر به معروف و نهی از منکر به مقابله با آن می پردازد. ضمن اینکه تمامی مدارس در عربستان سعودی دولتی است و در آن ها مفاهیم اسلامی آموزش داده می شود که خود گویای اقدام دولت در جهت پیشگیری از وقوع بزه به مانند ربا و نیز انحرافات به صورت توأمان از طریق آموزش

های دولتی است که می تواند به روشنی موید شمول عنوان مدل دولت اقتدارگرای فراگیر نسبت به کشور عربستان سعودی باشد.

نتیجه گیری

امارات متحده عربی در برابر ربا دو مدل و سیاست را در پیش گرفته است بدین نحو که نسبت به ربا در بین اشخاص حقوقی و حقیقی واکنش های مختلف نشان می دهد؛ در مقابل ربا از سوی اشخاص حقیقی مدل دولت جامعه ی مردم سالار را اعمال نموده و نسبت به بزه ربا پاسخی دولتی داده و مجازات کیفری تعیین نموده و از لحاظ مدنی نیز با آن برخورد کرده است و انحرافات مرتبط را از طرق جامعه ی پاسخ می دهد.

در این مدل از سویی دولت مرجع انحصاری پاسخ دهی به جرم تلقی می شود و از سوی دیگر دولت در پاسخ دهی به انحراف نقشی ندارد و در عین حال پاسخ دهی دولت به جرم در کیفر منحصر و خلاصه نمی شود و شبکه های دیگر پاسخ دهی به جرم همچون مجازات های اداری، مجازات های مدنی، نهاد میانجیگری در کنار کیفر در مقام پاسخ دهی نقش آفرینی می کنند. در پاسخ اجتماعی به انحراف نیز حضور نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، محیط کار، مراکز مذهبی و ... مشاهده می شود.

قانونگذار اماراتی در فصل مربوط به بزه ربا دو عنوان مجرمانه ی معامله ی ربوی و اعتیاد به معامله ربوی را پیش بینی کرده است و در قانون المعاملات المدنیة لدولة الامارات العربیة المتحدة مصوب ۱۹۸۵ میلادی و اصلاحی ۱۹۸۷ میلادی در مقام پاسخ مدنی به ربا برآمده است.

هر چند جامعه ی مدنی امارات متحده عربی نسبت به انحراف پاسخ می دهد منتهی این پاسخ باتوجه به ساختار رژیم حاکم و مداخله ی آن محدودیت دارد. مبارزه با ربا در جامعه ی امارات از طریق تدریس مسائل دینی در مدارس و اعلام مواضع دینی در مساجد و پایگاه های مذهبی و تشکل های اجتماعی نسبت به ربا صورت می گیرد.

امارات متحده عربی در مقابل ارتکاب ربا از سوی اشخاص حقوقی مدل سیاست جنایی جامعه ی غیرمرتبط با دولت را اعمال می نماید. فرمول مدل سیاست جنایی جامعه ی غیرمرتبط با دولت (جامعه ی همیشه ناظر) به نحوی است که پاسخ به انحراف و بزه جامعه ی است.

در امارت متحده عربی اهمیت زیادی به امر آموزش و پرورش داده می شود. در مدارس امارات متحده، تنها مذهب اهل تسنن تدریس می شود و بالتبع همانگونه که در خصوص واکنش امارات متحده عربی در خصوص ربا از سوی اشخاص حقیقی بیان شد، به بیان ممنوعیت شرعی ربا در مدارس از منظر فقه مالکیه پرداخته شده و در سطح جامعه نیز از طریق مساجد و گروه های مذهبی به مقابله با آن از طریق پیشگیری از ارتکاب آن، پرداخته می شود و دولت هیچگونه نقشی در مقابله با انجام ربا از سوی اشخاص حقوقی ایفا ننموده و حتی خود به عنوان شخص حقوقی به رباخواری مشغول است.

در عربستان سعودی ماده ۱۴۹ قانون دادگاه های تجاری مجازات کسی که سعی در رباخواری دارد را صرفاً حبس و بدنام کردن پیش بینی کرده و در این صورت، حيله گر فقط سرمایه خود را می گیرد، نه مقدار سود را.

نظام سلطنتی عربستان سعودی یکی از محافظه‌کارترین نظام‌های سلطنتی در جهان است و طبق استانداردهای غربی رژیم بسیار اقتدارگرا است که پادشاه با صدور احکام و دستورات حکومت می‌کند. تاسیس احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، چانه‌زنی دسته‌جمعی و اعتصاب ممنوع و آزادی بیان به‌ویژه انتقاد از دولت و خاندان حاکم به‌شدت محدود است.

سیاست جنایی کلی عربستان سعودی را می‌توان مشمول مدل دولت اقتدارگرای فراگیر دانست. در مدل اقتدارگرای فراگیر پاسخ به بزه و انحراف دولتی است. در این مدل به کلیه رفتارهای حاکی از عدم قبول هنجارها، از طریق یک حرکت محاصره‌ای، می‌پردازد و آن‌ها را بدون تفکیک بزه از انحراف، با هدف تحمیل یک شیوه واحد تفکر و عمل به طوری که انسان‌های همانند شده بتوانند خود را در یک پیکره‌ی واحد کاملاً متجانس حل و ادغام کنند- به طور یکسان سرکوب می‌کند. مدل دولت اقتدارگرای فراگیر، اصولاً بزه و انحراف را در یک مفهوم ادغام می‌کند.

استقلال قضایی در عربستان سعودی برای کنترل سوء استفاده از قدرت توسط نهادهای حکومتی امری فراموش شده است و اعمال قدرت و کنترل همه جانبه و فرهنگ امنیتی را به عنوان تدابیر پیشگیرانه‌ی خود در نظر گرفته‌اند.

ربا از معدود مسائلی است که مجازاتش در عربستان سعودی در قانون پیش بینی شده است. این جرم انگاری صرفاً نسبت به اشخاص حقیقی قابل مجازات دانسته شده و انجام ربا توسط اشخاص حقوقی جرم انگاری نشده است. عربستان سعودی به بزه ربا به مانند بسیاری از موضوعات دیگر به صورت دولتی، با تعیین مجازات پاسخ داده و نسبت به انحرافات موجود در این زمینه نیز با تاسیس سازمان دولتی امر به معروف و نهی از منکر به مقابله با آن می‌پردازد. ضمن اینکه تمامی مدارس در عربستان سعودی دولتی است و در آن‌ها مفاهیم اسلامی آموزش داده می‌شود که خود گویای اقدام دولت در جهت پیشگیری از وقوع بزه به مانند ربا و نیز انحرافات به صورت توأمان از طریق آموزش‌های دولتی است که می‌تواند به روشنی موید شمول عنوان مدل دولت اقتدارگرای فراگیر نسبت به کشور عربستان سعودی باشد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- آجورلو، حسین، (۱۳۹۶/۰۵/۲۱)، «بررسی مخالفت جدی امارات متحده عربی با افزایش اسلام‌گرایی»، ۱۳۹۹/۱۱/۱۰، <https://tisri.org/en/?id=۳b۵zqgwb>
- آشوری، محمد؛ مندنی، اسلام (۱۳۹۷)، «تحلیل سیاست جنایی امنیت مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری»، پژوهش‌های اخلاقی، سال ۹، شماره ۱، ص ۱۸۳-۲۰۴.
- اقبال، منور (۱۳۷۸)، چالش‌های پیشروی بانکداری اسلام، ترجمه حسین مسیمی؛ مسلم بمانپور، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.
- باقری، محمود؛ ابراهیمی، مریم (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی منع ربا در حقوق کشورهای اسلامی و کشورهای اروپایی»، دانش حقوق مدنی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱۰۸-۱۲۱.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۴)، ربا، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغاتی اسلامی حوزه علمیه. پاک نهاد، امیر (۱۳۹۴)، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، تهران: میزان.
- پیوندی، غلامرضا؛ میرید، سیدعلیرضا (۱۳۹۸)، «نقش احکام فقهی اسلامی در نظام حقوق جزایی کشورهای مهم اسلامی»، حقوق اسلامی، سال ۱۶، شماره ۶۰، ص ۱۹۱-۲۲۷.
- تقی زاده، خدیجه (۱۳۹۱)، «بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان»، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، دوره ۱۲، شماره های ۶ و ۷، ص ۴۷-۸۰.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۵)، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران: میزان.
- حیدری منش، سیدنورالدین؛ شیخ الاسلامی، عباس و شیدائیان، مهدی (۱۳۹۹)، «مطالعه تطبیقی سکوت قانون در نظام حقوقی ایران و کشورهای اسلامی (افغانستان، مصر و عربستان)»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۱، شماره ۴۳، ص ۳۸۳-۴۰۳.
- خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۶/۰۵/۱۰)، «فقط یک پنجم عملیات بانکی در امارات، اسلامی است»، ۱۳۹۹/۱۱/۰۵، <https://www.tasnimnews.com/fa/news>.
- دارابی، شهرداد؛ نجفی توانا، علی (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی»، حقوق تطبیقی، جلد ۱۲، شماره ۱، ص ۱۸۷-۲۰۷.
- دل‌ماس - مارتی، مری (۱۳۹۳)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: میزان.

ذبیحی قیه باشی، عبادت (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی ربا در مذاهب خمسسه»، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

رضا شفیعی، سیدمحمدفرخ؛ کونانی، سلمان و گلخندان، سمیرا (۱۳۹۸)، «رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت و جامعه مدنی»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، سال ۱۵، شماره ۴۲، ص ۱۵۵-۱۷۶.

عالی پور، حسن؛ یکرنگی، محمد (۱۳۹۶)، «نظام حقوقی و حقوق بشر در عربستان»، مطالعات راهبردی، سال ۲۰، شماره ۱، ص ۵۷-۸۲.

علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳)، حقوق جنایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی.

کدخدایی، عباسعلی؛ حسینی، سیدابراهیم (۱۳۹۳)، «نقش شریعت در نظام تقنین عربستان»، حکومت اسلامی، سال ۱۹، شماره ۳، ص ۱۴۳-۱۷۴.

کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ اول، تهران: میزان.

کوشا، جعفر؛ دهقانی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «سیاست جنایی در جرایم اقتصادی»، دانش حقوق و مالیه، سال ۱، شماره ۲، ص ۸۵-۱۰۱.

کیماسی، مسعود؛ صالحی، مژگان و مشهدی عبدل، مریم (۱۳۹۴)، «بررسی تجربه بانکداری اسلامی در عربستان سعودی»، مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۶۹-۱۹۹.

گل عنبری، صابر، (۱۳۹۷/۱۰/۲۲)، «چرا اماراتی‌ها سراغ منصور حلاج رفتند؟»، <https://donya-e-eqtesad.com>

لازرژ، کریستین (۱۳۹۵)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: میزان.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۶)، «سرگذشت عدالت و قضاء در عربستان سعودی»، میقات، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۱۷۸-۱۹۸.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، ربا، بانک و بیمه، چاپ بیست و پنجم، تهران: صدرا.

موسویان، سیدعباس؛ نظریور محمدتقی و لطفی نیا، یحیی (۱۳۹۵)، «تحلیل نظری الگوی بانک اسلامی دبی»، اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ص ۱۰۷-۱۳۷.

وروایی، اکبر؛ محمدی، همت و نوریان، ایوب (۱۳۹۵)، «مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۲، شماره ۲۸، ص ۲۷-۴۴.

ولی پوری، معصومه؛ دوست بین، امید (۱۳۹۷)، درآمدی بر سیاست جنایی (پیشگیری از جرم)، چاپ اول، اصفهان: پیام دانشگاهی.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، تهران: میزان.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه، چاپ اول، قم: دایره المعارف فقه اسلامی.

یاری، جاوید، (۱۳۹۰/۰۴/۲۱)، «رباخواری در آئین یهود»، ۱۳۹۹/۱۰/۰۱،

<https://www.magiran.com/article/۲۳۱۵۶۱۷>

یوسفی، اصغر، (۱۳۹۹/۰۱/۲۰)، «بی ثباتی در کمین سعودی ها»، ۱۳۹۹/۱۱/۱۰،

<https://www.irna.ir/news/۸۳۷۳۱۲۴۷>

ب. غیرفارسی

ابن قدامه (۱۳۶۳)، المغنی، جلد ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن کثیر، (۱۴۲۰)، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن منظور (۱۳۶۶)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

ابوالبرکات، احمد الدردیر (بی تا)، الشرح الکبیر، چاپ اول، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

ابوعامر، هاله طالب محمود (۲۰۱۶)، «المواطنه على العقود الربويه و عقوبتها فى النظام السعودی»، العربیه للدراسات الامنيه و التدريب، جلد ۳۱، شماره ۶۴، ص ۱۸۳-۲۲۱.

الجوری، مصطفی فهمی (۲۰۰۲)، اصول علمى الإجرام والعقاب، چاپ اول، دبی: أكاديمية شرطه.

الشافی، خالد بن عبدالله (۱۴۲۵)، «دور السياسه الجنائیه فى تحقیق الامن الاخلاقى فى ضوء الشریعه الاسلامیه و انظمه المملکه العربیه السعودیه»، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، عدالت کیفری، ریاض: دانشگاه نایف العربیه للعلوم الامنيه.

الوسمی، سالم (۲۰۱۷)، «النظام الجنائى الخاص بالأحداث فى دولة الإمارات العربیه المتحدّه»، جامعه الشارقة، المجلد ۱۵، عدد ۲، ص ۱۱۹-۱۴۹.

امیره عبداللطیف مشهوره (۱۳۷۲)، الاستثمار فى الاقتصاد اسلامی، القاهره: مكتبة مدبولی.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (بی تا)، فتوح البلدان، چاپ اول، بیروت: دار المکتب العلمیه.

بهنام، رمسیس (۱۹۹۵)، النظریه العامه للقانون الجنائى، چاپ اول، الاسکندریه: منشأة المعارف.

جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۷)، الفقه على المذاهب الاربعه، بیروت: انتشارات دار الآفاق العربیه.

- جواهرى، حسن محمدتقى (۱۴۰۵)، الربا فقہيا و اقتصاديا، جلد ۱، قم: بی نا.
- حاجى، جعفر عباس (۱۹۸۷)، المذهب الاقتصادى فى الاسلام، كويت: مكتبة الألفين.
- حبيبه، زحاف (۲۰۱۰)، «دور معدل الفائدة فى الاستثمار و البديل الاسلامى له»، بيان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، علوم اقتصادى، الجزيره: دانشگاه العربى بن مهيدى ام البواقى.
- حسنى، محمود نجيب (۱۹۷۷)، شرح قانون العقوبات القسم العام، چاپ اول، بيروت: دار النهضة العربيه.
- حموده، على محمود على (۲۰۰۸)، قانون العقوبات (النظريه العامه للجزاء الجنائى)، چاپ اول، دبی: أكاديميه شرطه دبی.
- زار، أحمد فاروق (۲۰۱۳)، مبادئ علمى الاجرام والعقاب، چاپ اول، شارجه: جامعه الشارقه.
- سالم السنيدى، عبدالعزيز (۲۰۱۸)، «السياسه العقابيه للمشرع الاماراتى فى مواجهه الجرائم المعلوماتيه فى ظل المرسوم الاتحادى رقم ۵ لسنة ۲۰۱۲ بشأن مكافحه جرادم تقنيه المعلومات»، بيان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، حقوق عمومى، العين: دانشگاه الامارات العربيه.
- سرور، أحمد فتحى (۱۹۹۶)، الوسيط فى قانون العقوبات، چاپ ششم، بيروت: دار النهضة العربيه.
- سنهورى، عبدالرزاق (۱۹۵۴)، مصادر الحق فى الفقه الاسلامى، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- شاطبى، ابراهيم بن موسى (۱۳۸۱)، الموافقات فى اصول الشريعه، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- شافعى، محمد بن ادريس (۱۳۹۳)، الأم، چاپ دوم، بيروت: دارالمعرفه.
- عبدالملك، جندى (۲۰۰۸)، الموسوعه الجنائيه، بيروت: واردالعلم للجميع.
- فخرراضى (۱۴۱۱)، التفسير الكبير، جلد ۹، چاپ اول، بيروت: دارالاحياء تراث العربى.
- بى نا (۲۰۱۷)، قانون العقوبات لدولة الإمارات العربيه المتحده، چاپ سوم، دبی: المعهد.
- بى نا (۲۰۱۷)، قانون المعاملات المدنيه لدولة الإمارات العربيه المتحده، چاپ اول، دبی: المعهد.

Abstract

The subject of usury is a title that has been condemned on the basis of religious teachings, and since Muslim countries, including the United Arab Emirates and Saudi Arabia, are trying to carry out religious orders, recognizing their jurisprudential position and criminal policy regarding usury and its application to each other This field can be an effective step towards the realization of Islamic economics. In this article, by examining the prevailing laws and jurisprudence in the mentioned countries and using analytical and comparative methods, an attempt has been made to study the jurisprudence and criminal policy of the UAE and Saudi Arabia towards usury so that we can identify the appropriate criminal policy in dealing with usury. Let us. In the UAE, it seems that the answers are different for individuals and legal entities, and for legal entities, the answers are purely comprehensive, leading to the perpetration of usury by individuals, the government responds to the deviation, and in Saudi Arabia. The Saudi answers are governmental and authoritarian.

Key words: Jurisprudence, criminal policy, crime, usury , model

